

راه جلوگیری از ورود واژه‌های بیگانه بزبان فارسی

در شماره اخیر مجله وحید مقاله بسیار سودمندی تحت عنوان «بیاری زبان پارسی بر خیزیم» منتشر و طی آن از علاقمندان باین موضوع دعوت شده بود که چنانچه نظریاتی در این زمینه دارند برای درج مجله ارسال دارند. اینجانب از این فرصت استفاده نموده و نکاتی را که درباره لزوم حفظ زبان فارسی در مقابل ورود واژه‌های بیگانه بنظر رسید یادداشت نموده و به مجله وحید تقدیم میدارم تا در صورت مقتضی امر بدرج فرمایند.

راجع بلزوم حفظ زبان فارسی از گزند لغات نامأنوس خارجی، زیاد بحث شده و مقالات متعددی منتشر گردیده است ولی موضوع باندازه‌ای درخور اهمیت است که هر قدر هم مورد بحث قرار گیرد، باز هم حق مطلب ادا نشده است.

اهمیت موضوع ناشی از آن است که زبان یکی از پایه‌های اساسی ملیت هر قوم بشمار میرود. جامعه شناسان درباره عواملی که در ایجاد وحدت ملی مؤثرند مانند زبان، نژاد، مذهب، تحقیقات دامنه‌داری بعمل آورده و باین نتیجه رسیده‌اند که وحدت زبان یکی از شرایط اصلی وحدت ملی بشمار میرود.

ممکن است گفته شود که در بعضی از کشورها مثلاً سوئیس اهالی بچند زبان مختلف تکلم میکنند و این امر بوحدت ملی این کشورها لطمه‌ای نزده است. باید گفت که این از موارد استثنائی است و بعلاوه در همان کشورها نیکه زبانهای مختلف وجود دارد، دولتها سعی میکنند یکی از آنها را بعنوان زبان رسمی رواج دهند بعلاوه ممالکی که دارای زبان و فرهنگ کهنی می‌باشند، نه تنها در حفظ زبان در قلمرو کشور خود میکوشند بلکه کوشش میکنند که زبان و فرهنگ خود را در سایر نقاط جهان بشناسانند و در صورت امکان ترویج دهند و برای نیل باین منظور با تحمل هزینه‌های هنگفت ادارات روابط فرهنگی در کشورهای مختلف تأسیس میکنند.

در کشور ما هم دولت از این وظیفه غافل نبوده است و با اعزام واپسته‌های فرهنگی بکشورهای خارج درصدد ترویج و شناساندن زبان فارسی بخارجیان برآمده است. ولی متأسفانه در داخل کشور مبارزه جدی برای حفظ زبان فارسی در مقابل لغات و واژه‌های خارجی بعمل نیامده است.

چند سال قبل دولت تصمیم گرفت افراد را که برای مغازه و مؤسسه خود نام خارجی انتخاب نموده بودند، وادار کند که این نامها را با اسمهای فارسی تبدیل نمایند. ولی متأسفانه نه تنها این تصمیم بمورد اجرا گذارده نشد، بلکه از آن تاریخ به بعد روز بروز بر تعداد مغازه و مؤسساتیکه دارای نامهای بیگانه غیر ما نوس می‌باشند افزوده شد. بطوریکه امروز در تهران تعداد مغازه و مؤسساتیکه نام خارجی دارند از آنهاییکه دارای نام فارسی میباشند بیشتر است. در کمتر خیابانی است که عناوینی از قبیل «سینما ماژستیک» «هتل امپریال» - «داروخانه سانترال» و نظائر آن بچشم نخورد. يك نگاه اجمالی بستون سینماها که در جرائد چاپ میشود نشان میدهد که تا چه اندازه صاحبان این مؤسسات علاقمند بانتخاب اسامی فرنگی میباشند. تنها حرف الف این ستون شامل چندین نام خارجی از قبیل «اودئون - اسکار - اونورسال - اتلنتیک - ایفل» و امثال آن میباشد.

ایکاش واژه‌های بیگانه فقط در مورد نام مغازه‌ها و سینماها بکار برده میشود. متأسفانه استفاده از لغات خارجی در محاورات - مکالمات و نوشته‌ها، چنان متداول گردیده که در هر عبارتی که میخوانیم یا میشنویم بچندین واژه خارجی بر میخوریم. اگر کلیه کلمات خارجی که در فارسی متداول شده جمع آوری گردد، قطعاً کتاب لغت کوچکی را تشکیل خواهد داد. من باب نمونه اگر فقط کلمات خارجی متداول در زبان فارسی را که با حرف «میم» شروع میشود در نظر بگیریم مشاهده میکنیم که تعداد لغات زیادی از قبیل متد - مدل - مدرن - مدال - مامان و غیره چنان در زبان ما رایج گردیده که تشخیص آنها از لغات اصیل فارسی برای بسیاری از مردم مشکل است.

البته خطری که از رواج لغات بیگانه متوجه زبان ما میگردد، از نظر اولیای امور و علاقمندان بزبان فارسی پنهان نبوده است مثلاً اخیراً دولت طی بخشنامه‌ای بکلیه ادارات دستور داد که از بکار بردن لغات بیگانه خودداری نمایند. ولی متأسفانه نتیجه مثبتی از این اقدام حاصل نگردید و استعمال واژه‌های اداری و مقالات روزنامه‌ها و گفتارهای رادیویی - از پیش رواج دارد.

برای مبارزه با این بلیه پیشنهادهاى مختلفی شده است ولی همانطوریکه برای معالجه هر دردی باید قبلاً علت آن را تشخیص داد در مورد مبارزه با خطر رسوخ لغات بیگانه در زبان فارسی نیز باید قبلاً معلی که موجب راه یافتن این لغات گردیده پی برد.

عده‌ای معتقدند که علت اصلی ورود واژه‌های بیگانه بزبان ما، فقر و نارسائی زبان فارسی است. بعقیده آنها چون اغلب اختراعات و اکتشافات علمی بوسیله خارجی‌ان صورت میگردد و ادوات و ابزار نوینی بوسیله آنها ساخته میشود، چون ما خود سازنده این ابزار و ادوات نیستیم ناچار باید واژه‌ها را برای ادوات خود انتخاب نموده‌اند عیناً بپذیریم. مثلاً چون رادیو - تلفن و تلویزیون از اختراعات خارجی‌ان است، ما هم باید این لغات را عیناً در زبان خود بکار ببریم.

این استدلال زیاد قانع کننده بنظر نمیرسد. زیرا اولاً بر عکس آنچه تصور می‌رود

پیدا کردن معادل فارسی برای ادوات و سائلی که بوسیله خارجی‌ان ساخته می‌شود چندان مشکل نیست. کما اینکه هم امروز واژه‌هایی از قبیل هواپیما - راه آهن - موشک - بلندگو - ضبط صوت که در زبان ما معمول و متداول گردیده با ادوات و دستگاه‌هایی اطلاق می‌شود که بوسیله خارجی‌ان اختراع و ساخته شده است. بنابراین پیدا کردن واژه‌های فارسی برای ابزار و لوازمیکه بوسیله خارجی‌ان اختراع شده و می‌شود امکان پذیر است. ثانیاً بسیاری از لغات خارجی که در زبان ما راه یافته هیچگونه ارتباطی با اختراعات و اکتشافات علمی ندارد. یکی از این لغات، کلمه «شانس» است. آیا چه لزومی دارد که ما ایرانیان که از قدیم به بخت و اقبال و طالع معتقد بوده‌ایم و این کلمات بکرات در اشعار و ادبیات ما بکار برده شده، برای رساندن این مفهوم به یک کلمه خارجی متوسل شویم.

مثال مضحك دیگر کلمه «فامیل» است که بجای خانواده بکار برده می‌شود. اولاً معلوم نیست این واژه از چه زبانی اقتباس شده است. اگر از فرانسه گرفته شده است که صحیح آن «فامی» بدون «ل» میباشد و اگر از انگلیسی اخذ شده است صحیح آن «فامیلی» یا «دی» است. آیا ما ایرانیان قبل از اینکه با اروپائیان تماس پیدا کنیم، فاقد خانواده بوده‌ایم؟ از همه تأسف انگیز تر بکار بردن کلمه «مامان» بجای مادر است. اولین واژه‌ایکه معمولاً کودک می‌آموزد کلمه مادر است. آیا شرم آور نیست که ما ایرانیان که دارای فرهنگ و زبان کهنی می‌باشیم اولین کلمه ایراکه بکودکان خود می‌آموزیم یک کلمه خارجی باشد. عجب تر اینکه بعضی از متجددین دو آتشه کلمه «مامان» را که از فرانسه اقتباس شده دیگر کهنه و باصطلاح خودشان «دمده» تلقی می‌کنند و بجای آن کلمه «مامی» را که از انگلیسی گرفته شده بکار می‌برند.

متأسفانه مطبوعات - رادیو و تلویزیون که باید حفظ اصالت زبان فارسی را یکی از وظایف اصلی خود بدانند، نه تنها باین وظیفه بطور کامل عمل نمی‌کنند بلکه خود کمک به ترویج لغات خارجی می‌نمایند. غالباً نویسندگان و مترجمان خواه بعلت بی اطلاعی و خواه برای تظاهر و فضل فروشی در مقالات و گزارش‌هاییکه جهت درج در جراید و یا بخش در رادیو تهیه می‌کنند در بکار بردن واژه‌های خارجی بر یکدیگر سبقت می‌جویند.

یکی از کلماتیکه غالباً از رادیو می‌شنویم و یاد را اخبار جراید می‌خوانیم واژه «پرزیدنت» است. این کلمه بزبان انگلیسی بمعنی رئیس است و امریکائیان رئیس جمهور خود را برای رعایت اختصار «پرزیدنت» مینامند گویندگان رادیو و نویسندگان جراید عین همین کلمه را نه تنها در مورد رئیس جمهور امریکا بلکه در مورد هر رئیس جمهور دیگری بکار می‌برند و مثلاً می‌گویند پرزیدنت ایوب خان یا پرزیدنت عارف حال اگر استعمال لغت پرزیدنت در فارسی در مورد رئیس جمهور امریکا بعلت اینکه خود آن کشور این واژه را بکار می‌برد، موجه باشد، استعمال آن در مورد رؤسای جمهوری سایر کشورها غیر از بی اطلاعی مترجمان و یا فضل فروشی و خودنمایی ناشیانه آنها محمل دیگری نمیتواند داشته باشد.

مثالهای فوق نشان میدهد که برخلاف آنچه ادعا می‌شود، بکار بردن لغات خارجی در زبان ما، ناشی از فقر و نارسائی زبان نیست بلکه معلول بیسوادی و احیاناً نأحس خودنمایی

وفضل فروشی بعضی از نویسندگان بی‌مایه می‌باشد. همان‌طوریکه در گذشته عده‌ای برای فضل فروشی و خودنمایی در بکار بردن لغات عربی غیرمأنوس افراط می‌ورزیدند امروز هم عده‌ای برای اینکه نشان بدهند در فلان رشته دارای تخصص هستند متوسل با استعمال لغات فرنگی می‌گردند. مثلاً افرادی که خود را در رشته ورزش و یاسینما متخصص میدانند در گفتارها، مقالات، گزارشها و یا باصطلاح خودشان در «رپورتاژ» های خود در استعمال لغات خارجی بر یکدیگر سبقت می‌جویند.

چند هفته پیش در تلویزیون ایران فیلم جالبی درباره تاریخچه بازیهای اولمپیک نشان میدادند. مفسر این فیلم در گفتار خود با اندازه‌ای لغات بیگانه از قبیل «رکورده» تیم- فینال- مدال- کاپ- رینگ- راوند و امثال آن بکار برد که با وجود علاقه زیادی که بدیدن این فیلم داشتم چندین بار تصمیم گرفتم پیچ‌تلویزیون را ببندم. از خود می‌پرسیدم چه مانعی دارد که بجای «تیم فوتبال» دسته فوتبال و یا بجای «بازی فینال» بازی نهائی و بجای «مدال» پلان نشان طلا و یا بعوض کاپ فیروزی جام فیروزی گفته شود. اگر مفسرین ورزشی تصور میکنند که این لغات در زبان خارجی اختصاص با اصطلاحات ورزشی دارد و بنا بر این باید عین آنها را در زبان فارسی بکار برد، سخت در اشتباهند. مثلاً لغت «تیم» در انگلیسی به معنی دسته و گروه و امثال آن می‌باشد اعم از گروه ورزشی یا غیر ورزشی. کما اینکه در اصطلاح **Team work** که بمعنی کار دسته‌جمعی می‌باشد، کلمه تیم به معنی اعم آن بکار برده می‌شود. لغت فینال نیز بمعنی نهائی است و اختصاص به ورزش ندارد. این موضوع درباره سایر لغات فوق‌الذکر صدق می‌کند.

یکی دیگر از مواردیکه گویندگان و مفسرین اصرار بخصوصی در استعمال واژه‌های بیگانه بخرج میدهند، تفسیر مطالب سینمایی است.

در تلویزیون ایران هفته‌ای چند شب برنامه‌ای تحت عنوان «شما و سینما» اجرا می‌گردد. حال وارد این بحث نمی‌شویم که اجرای این برنامه که اختصاص بمعرفی فیلمهای عشقی و جنائی دارد از لحاظ هدایت جوانان مفید است یا مضر. آنچه مسلم است این برنامه بسبب افراط در بکار بردن واژه‌های خارجی به اصالت زبان فارسی لطمه می‌زند. در این برنامه واژه‌های خارجی از قبیل سوژه- کمدهی- تراژدی- درام- کاراکتر- اکسیون- سمبل و امثال آن فراوان استعمال میشود. در این مورد هم انگیزه مجریان برنامه در بکار بردن لغات خارجی جز خودنمایی و تظاهر بدانش چیزی دیگری نمیتواند باشد. قطعاً گوینده تصور میکند که اگر بجای کلمه «موضوع لغت» «سوژه» را بکار ببرد و مثلاً بگوید سوژه فلان فیلم جالب است تخصص و تبحر او در امور سینمایی محرز خواهد گردید. ولی اغلب اوقات استعمال کلمات خارجی بجای اینکه گوینده را شخص مطلع و دانشمندی معرفی کند، بیسوادی او را برملا می‌سازد. مثلاً وقتی مفسری می‌گوید فلان فیلم «کمدهی‌ترین» فیلم سال است، معلوم میشود که خودش هم معنی لغتی را که بکار برده درک نکرده است زیرا کلمه «کمدهی» صفت نیست

بلکه اسم است و صفت آن «کمیک» است و بنا بر این گوینده متظاهرا اگر هم اصراری با استعمال لغت خارجی دارد باید بگوید «کمیک‌ترین فیلم» ولی اصولاً چه لزومی دارد که شخص لغتی را که معنی‌اش را نفهمیده استعمال کند و با اصطلاح شعری بگوید که در قافیه‌اش گیر کند.

بکار بردن لغات بیگانه اختصاص بجزراید - رادیو و تلویزیون ندارد. متأسفانه گاهی اوقات بعضی از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و حتی دانشگاه‌ها که بیش از هر مقام دیگری باید مدافع زبان فارسی باشند، برای مؤسسات و دستگاه‌های تابعه خود نام‌های خارجی انتخاب مینمایند. مثلاً یکی از دانشکده‌های دانشگاه تهران، دانشکده «پلی‌تکنیک» نامیده میشود و نیز یکی از مؤسسات وابسته بدان دانشکده پزشکی «انستیتوی مالاریالوژی» نام یافته است. با اندک تحقیقی میتوان برای این نام‌های خارجی، معادل فارسی پیدا کرد. کلمه «پلی» در لاتین به معنی «چند» و یا «متعدد» و کلمه «تکنیک» بمعنی فن آمده است. بنا بر این چه مانعی خواهد داشت که بجای دانشکده پلی‌تکنیک «دانشکده فنون» گفته شود. «انستیتو» نیز یکی از کلمات خارجی است که اخیراً در زبان فارسی بسیار متداول گردیده است در صورتیکه برای آن لغات فارسی متعددی از قبیل «بنگاه» سازمان - بنیاد - بنیان و امثال آن وجود دارد. بنا بر این آیا نمیتوان بجای عنوان «انستیتوی مالاریالوژی» عنوان سازمان یا بنگاه مالاریا شناسی را انتخاب نمود.

اگر پیدا کردن معادل فارسی در مقابل لغات خارجی برای افراد عادی دشوار باشد قطعاً برای مؤسسه‌ای مانند دانشگاه مشکل نیست. بعضی از وزارتخانه‌ها نیز گاهی برای مؤسسات تابعه خود نام‌های خارجی انتخاب میکنند. مثلاً در وزارت اقتصاد اداره‌ای به نام اداره «استانداردها» و در بعضی وزارتخانه‌های دیگر اداراتی بنام اداره «کنترل» وجود دارد که قطعاً میتوان برای آنها معادل فارسی پیدا کرد.

موضوع دیگری که باصالت زبان فارسی لطمه‌میزند، انتخاب نام‌های خاص خارجی برای کودکان ایرانی است. بعضی از ایرانیان مسلمان بمنظور نظاهر به تجددطلبی برای فرزندان خود نام‌های خارجی انتخاب مینمایند مثلاً دختر خود را «ویکتوریا» و یا «ماری» و امثال آن نامگذاری میکنند که این عمل نه تنها باصالت زبان فارسی بلکه بحیثیت ملی لطمه وارد می‌آورد.

حال باید دید راه مبارزه با این خطر بزرگی که متوجه زبان فارسی گردیده چیست؟ در اینجا باید متذکر شد لغات خارجی که وارد زبان فارسی گردیده‌اند بردن و نوعند. یکی اصطلاحات علمی و فنی وهم چنین نام ادوات و دستگاه‌هایی که بوسیله خارجی‌ان اختراع گردیده‌اند از قبیل رادیو - تلویزیون - رادار - تله تایپ و مانند آنها. پیدا کردن معادل فارسی برای اینگونه لغات باید بعهد اهل فن واگذار شود و همانطوریکه در مقاله مندرج در شماره اخیر مجله وحید پیشنهاد شده، شایسته است سازمان یا هیئت مخصوصی مأمور انجام این کار گردد و با مطالعات و تحقیقات لازم برای اصطلاحات علمی فنی خارجی لغات فارسی

وضع نماید. کما اینکه در دوره اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر این عمل انجام گردیده و نتایج مطلوبی بخشید بطوریکه بسیاری از اصطلاحات و لغات فارسی که در آن دوره وضع گردیده‌اند اکنون مورد استفاده می‌باشد.

نوع دوم از واژه‌های خارجی که در زبان فارسی متداول شده کلماتی است که بهیچ وجه جنبه علمی و فنی ندارند و معادل آنها در فارسی موجود است مانند کلمه شانس - فامیل - مامان و بسیاری از لغات دیگر که نمونه‌ای چند از آنها در همین مقاله ذکر گردید بطوریکه قبلاً اشاره شد راه یافتن این کلمات خارجی در زبان ما، جز خودنمایی و تقلید بیجا و فضل - فروشی و تظاهر به تجدد طلبی، علت دیگری ندارد.

بنابراین برای تصفیه زبان شیرین فارسی از این گونه لغات خارجی تنه‌اراه چاره آن است که علاقمندان زبان فارسی بوسائل مختلف مثلاً از طریق درج مقالات در جراید و یا ایراد سخنرانی و هر وسیله ممکن دیگر بفضل فروشان بی‌مایه که بکار بردن لغات خارجی را دلیل دانش و تبصر خود میدانند، بفهمانند که استعمال این لغات نه تنها معرف فضل و معلومات آنها نمیتواند باشد بلکه نشانه بیخردی و سبک مغزی آنها بشمار میرود. مثلاً باید بفلان مؤسسه‌ایکه در جرائد - رادیو یا تلویزیون اعلام میدارد که بوسیله ماشین آلات «اتوماتیک» محصولات بی‌ظنیری تولید میکند و یا بفلان کارخانه‌داری که ادعا میکند فرآورده‌های غذایی او «انرژی» بخش است، خاطر نشان ساخت که با استعمال کلمه ماشین «اتوماتیک» بجای ماشین خود کارویا بکار بردن واژه «انرژی» بخش بجای نیرو بخش تغییر در محصولات آنها حاصل نمیشود. هم چنین به مادریکه اصرار دارد کودکش او را «مامی» بخواند، باید تذکر داد که تنها بصرف اینکه او را مانند مادران امریکائی «مامی» خطاب کنند در ردیف زنان امریکائی در نخواهد آمد و نیز بوالدینی که برای فرزندان خود نام خارجی انتخاب مینمایند باید گوشزد کرد که اگر برای کودکان خارجی مزیتی قائل هستند، این مزیت تنها با انتخاب نام خارجی بدست نمی‌آید.

پیشنهاد دیگر آن است که مقامات ذیصلاحیت دولتی صدور پروانه کسب در مورد مؤسسات خصوصی از قبیل مغازه - فروشگاه - سینما - مهمانخانه و غیره را مشروط بر آن نمایند که متقاضی صدور پروانه برای مؤسسه خود نام فارسی انتخاب نموده باشد. هم چنین اداره شناسنامه باید از صدور شناسنامه بنامهای خارجی در موود اتباع ایرانی مسلمان خودداری کند.

بالاخره ارباب مطبوعات و متصدیان رادیو و تلویزیون با توجه بمسئولیت خطیریکه در حفظ اصالت زبان فارسی بعهده دارند باید مراقبت نمایند که در مقالات و یا گفتارهاییکه منتشر می‌سازند حتی المقدور از بکار بردن واژه‌های بیگانه بخصوص واژه‌هاییکه معادل فارسی دارند، خودداری شود.